خرابات

خواب‌های خوشِ دمِ بهار

جواد طوسی

● برای نسل‌های دهه ۳۰ و ۴۰، مقایسه ماه اسفند این سال‌ها با اسفند آن سال‌های دور می‌تواند متر و معیار خوبی باشد که بپذیریم «نوستالژی» حس‌وحال خوب یا بدی است. ما نسل دهه سی‌ها اسفند که می‌شد، شمارش معکوس خود را با شوروحال غریبی تا فرارسیدن عید نوروز شروع می‌کردیم. هر روز یک بهانه برای این انتظار و لحظه‌شماری داشتیم. به قول فرهاد و شهیار قنبری، با این امیدها و آرزوهای کوچک، زمستونو سر می‌کردیم. البته زمستانی که می‌شد نشانه‌های واقعی این فصل را در آن دید و پالتو و برف و ننه‌سرما و کرسی و خاکه زغال و آدم‌برفی و دوره‌گردی که داد می‌کشید «برف پارو می‌کنیم» و... مصادیق عینی و قابل استناد داشتند. هرچه به اواخر اسفند نزدیک‌تر می‌شدیم، دلمان بیشتر هوای شماره‌های مخصوص نوروز و مجله‌های «فیلم و هنر»، «ستاره سینما»، «دختران و پسران»، «اطلاعات هفتگی»، «فردوسی» و... را می‌کرد.

پدر خدابیامرزم خریدار ثابت روزنامه اطلاعات بود. شماره عید این روزنامه و روزنامه کیهان صد صفحه بود و پدرم استثنائا شماره عید نوروز روزنامه کیهان را به خاطر صفحات زیادش می‌خرید و یکی از دلمشغولی‌هایش در روزهای عید مطالعه و ورق‌زدن این روزنامه‌ها و مجلات بود. با چه ذوق و شوقی، کاغذهای کاهی مجله فیلم و هنر و ستاره سینما را ورق می‌زدم و به عکس‌های هنرپیشه‌های معروف و کم‌کارشده که فرارسیدن سال نو را به خوانندگان مجله و اهل سینما تبریک می‌گفتند، نگاه می‌کردم. صفحات اول مجله اختصاص به «عرض تبریک» هنرپیشه‌های معروف و شناخته‌شده مثل فردین و ناصر ملک‌مطیعی و بهروز وثوقی در کنار عکس بزرگشان و تبلیغ فیلم‌های آماده نمایش و در دست تولید داشت و لابه‌لای صفحات نیز پر از عکس‌های رنگی هنرپیشه‌های ایرانی و بعضا خارجی یک صفحه‌ای با کاغذ کلفت بود. خودم همیشه دم عیدی موی دماغ پدرم می‌شدم تا دو نسخه از شماره مخصوص عید مجلات فیلم و هنر و ستاره سینما را بخرد تا بتوانم عکس‌های رنگی هنرپیشه‌های مورد علاقه‌ام را از یکی از آنها جدا و به گوشه اتاق اجاره‌ای‌مان با پونز بزنم و در طول ایام سال با آنها حال کنم. نسخه دیگر مجله را هم بدون دست‌زدن به عکس‌هایش در کنار دیگر مجلات با وسواس نگهداری می‌کردم. مادر از دنیارفته‌ام همیشه سر این عکس‌زدنم به دیوار اتاق، حسابی شاکی می‌شد و راه به راه غر می‌زد و تکیه‌کلامش این بود: «وقتی بابات خونه‌دار شد، دیوارو عکس‌بارون کن! یه اتاق فسقلی این حرفارو نداره. پاک اینجا رو کردی سالن سینما!». بعد رو به پدرم می‌کرد و به او می‌گفت: «جواب صاحبخونه رو خودت باید بدی»؛ اما پدرم به خاطر علاقه زیادش به فیلم و سینما هوای من را داشت و خودش هم به بعضی از عکس‌ها دل می‌بست و سعی می‌کرد با زبان، تب مادرم را بخواباند و آخر صحبت‌هایش هم این بود: «بذار دلش خوش باشد». مادرم هم نهایتا این‌گونه شاخو می‌کشید: «از توِ بابا، این تحفه هم باید نصیبمون بشه».

همان روزهای آخر اسفند، با پدرم برنامه‌ریزی می‌کردیم که ایام عید چه فیلم‌هایی را ببینیم و کدامشان را اول برویم و انتخاب‌هایمان درهم بود و شامل فیلم خارجی و ایرانی می‌شد. همه اینها کودکانه و خاطرات شیرین و ماندگار ما را شکل می‌داد. حالا دیگر سال‌هاست که از این احوالات ندارم و اسفند را بدون انتظار و شمارش معکوس و سرذوق‌آمدن، سپری و آرزوی بهاری را می‌کنم که رنگ‌وبویی از مهر و دوستی و یکرنگی و ثبت عاشقانه‌ها داشته باشد.

خبر

اهالی سینما در یکمین سالمرگ علی معلم

او عاشق سینما و ایران بود

● **گروه هنر:** اهالی سینما در روزهای پایانی اسفند ۹۶ به مناسبت اولین سالروز درگذشت علی معلم (منتقد و سینماگر) در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) یادش را گرامی داشتند.

در این مراسم ، منوچهر شاهسواری، مدیرعامل خانه سینما، رضا ناجی، حسن فتحی، امیر پوریا، علی اوجی، سیدضیاالدین دری، آذر معماریان، همسر و امید معلم، فرزند علی معلم سخنرانی کردند. آنها در سخنانی معتقدبودند که علی معلم ایران‌دوست، عاشق سینما و مملکتش بود. سپس امید معلم با بغض بیان کرد: «یک سال از رفتن پدر گذشته و برای من به همان اندازه روز اول که متوجه این اتفاق شدم و تا زمانی که به بیمارستان رسیدم و به من گفتند باید به سردخانه بروی وحشتناک است. تشکر می‌کنم بابت این‌همه عشقی که به علی معلم دارید».

جشن نوروزی سینماها

گروه هنر: چهارشنبه دقیقا چند روز مانده به عید نوروز، حال‌وهوای سینمای ایران نیز تغییر خواهد کرد و فیلم‌های جدیدی راهی اکران سینماها خواهد شد. فیلم‌هایی که برخی از آنها به‌واسطه حضور در جشنواره فیلم فجر و حواشی حضورشان در این رویداد هنری، بیشتر به گوش و چشم مخاطب آشنا است و قطعا تأثیری در روند دیده‌شدنش خواهد داشت و فیلم‌های دیگری که در گردونه رقابت جشنواره‌ای حضور نداشتند اما امیدوار به استقبال مخاطب در فروش گیشه‌اند. امسال فیلم‌های نوروزی سینماها در روزهای منتهی به سال اعلام شد. بااین‌حال در هفته گذشته فیلم‌هایی که گزینه اکران نوروزی سینماها بودند، تبلیغاتشان را آغاز کردند. غلامرضا فرجی، سخنگوی شورای صنفی نمایش، آخرین مصوبات جلسه شورای صنفی نمایش را روز گذشته، دوشنبه، ۲۱ اسفند اعلام کرد. در این جلسه فهرست نهایی فیلم‌های نوروز ۹۷ مشخص و همچنین اعلام شد که اکران نوروزی از چهارشنبه ۲۳ اسفندماه در سراسر کشور آغاز می‌شود.

در ترکیب امسال فیلم‌های نوروزی یک فیلم انیمیشن حضور دارد؛ فیلمی که در جشنواره فیلم فجر امسال در فهرست نهایی فیلم‌های حاضر در جشنواره بود اما سهمی از جوایز سینمایی نداشت. این فیلم به کارگردانی هادی محمدیان در گروه سینمایی آزادی اکران می‌شود. «فیلشاه» انیمیشنی ۹۰دقیقه‌ای و روایتگر داستانی است که در جنگلی در آفریقا رقم می‌خورد. رئیس گله فیل‌ها صاحب فرزندی می‌شود که همه انتظار دارند جانشین رئیس گله باشد اما برخلاف تصور همه، بسیار دست و پا چلفتی است و هیکل گنده‌اش همیشه سبب تخریب و خرابکاری می‌شود. فیلم سینمایی «لاتاری» به کارگردانی محمدحسین مهدویان و «به وقت شام» ابراهیم حاتمی‌کیا نیز از جمله فیلم‌های حاضر در جشنواره سی‌وششم فیلم فجر بودند که منتقدان و اهالی سینما نظرات متفاوتی را نسبت به این دو فیلم مطرح کردند. محمدحسین مهدویان که سال گذشته نیز فیلمش «ماجرای نیمروز» را در نوروز اکران کرد، امسال نیز توانست در آغاز سال یکی از هفت گزینه اکران نوروزی سینماها باشد. مهدویان بر خلاف ساخته‌های پیشینش «ایستاده در غبار» و «ماجرای نیمروز»، این‌بار داستانی اجتماعی و معاصر را روایت کرده است.

ساعد سهیلی، حمید فرخ‌نژاد، هادی حجازی‌فر، جواد عزتی و زیبا کرمعلی بازیگران اصلی «لاتاری» هستند. این فیلم رابطه امیرعلی و نوشین دو جوان را به تصویر می‌کشد که قصد ازدواج با یکدیگر را دارند. آنها یک‌سری رویای مشترک دارند؛ برنده‌شدن در لاتاری و دریافت گرین‌کارت آمریکا. «لاتاری» ساخته محمدحسین مهدویان در گروه سینمایی استقلال اکران خواهد شد. «به وقت شام» که تازه‌ترین اثر سینمایی ابراهیم حاتمی‌کیا محسوب می‌شود و یکی از محصولات سازمان اوج است نیز در نوروز روی پرده سینماها خواهد رفت. فیلمی که برای حاتمی‌کیا جایزه بهترین کارگردانی جشنواره فیلم فجر را به همراه داشت و شاید برای اکثر مخاطبان و پیگیران اخبار سینمایی، حواشی مربوط به دریافت جایزه او در اختتامیه جشنواره و صحبت‌های انتقادی او هنوز زنده است.

این فیلم روایتگر داستان هواپیمای کمکی ایران برای سوریه است که برای فرود در فرودگاه دمشق دچار مشکل می‌شود و در آن هادی حجازی‌فر و بابک حمیدیان همراه با جمعی از بازیگران ایرانی، سوری و لبنانی مقابل دوربین رفته‌اند. «به وقت شام» در ۹ بخش از جشنواره فیلم فجر سال ۱۳۹۶ نامزد کسب جایزه شده بود و در نهایت سه سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی (ابراهیم حاتمی‌کیا)، بهترین موسیقی متن (کارن همایونفر) و بهترین صداگذاری (علیرضا علویان) را کسب کرد. «به وقت شام» ساخته ابراهیم حاتمی‌کیا در سرگروه کوروش به نمایش گذاشته خواهد شد.

فیلم «فراری» ساخته علیرضا داودنژاد در گروه سینمایی ماندانا اکران خواهد شد؛ فیلمی که در جشنواره سی‌وپنجم فیلم فجر موفق به کسب چهار سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد برای محسن تنابنده، سیمرغ بلورین ویژه هیئت داوران، سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه (کامبوزیا پرتوی) و سیمرغ بلورین بهترین صدابرداری (پرویز آبنار) شد و پس از مدت‌ها از زمان ساخت راهی اکران شده است. در این فیلم محسن تنابنده، ترلان پروانه، سیامک صفری، سیما تیرانداز، رضا داوودنژاد، محمدرضا داوودنژاد، اقدس سعادت‌رضایی، علی داوودنژاد، کامیار نیازناک، سجاد سپهری‌شکیب، احمد یاوری، میترا تبریزی، علی رستگاری، حسن کریم‌خان‌زند و یاس نوروزی ایفای نقش کرده‌اند.

اما «خرگیوش» ساخته مانی باغبانی، «لونه زنبور» ساخته برزو نیک‌نژاد و «مصادره» ساخته مهران احمدی، سه فیلم کمدی نوروز امسال هستند که «مصادره» در جشنواره فیلم فجر به نمایش گذاشته شد و توجهات بسیاری را به خود جلب کرد. این فیلم نخستین ساخته سینمایی مهران احمدی است که رضا عطاران، هومن سیدی، بابک حمیدیان، میرطاهر مظلومی، هادی کاظمی، مزدک میرعابدینی، سیامک صفری و مهران احمدی در آن ایفای نقش کرده‌اند.

«خرگیوش» نیز نخستین فیلم کارگردانش، مانی باغبانی است که جواد عزتی، بابک حمیدیان، سیامک انصاری، پانته‌آ سیروس، همایون ارشادی، امید روحانی، ملیکا شریفی‌نیا، مانیا علیجانی و مینا ساداتی در آن ایفای نقش می‌کنند. «لونه زنبور» سومین ساخته برزو نیک‌نژاد نیز در رقابت با سایر فیلم‌های کمدی امسال حضور دارد. محسن کیایی، پژمان جمشیدی، بهاره کیان‌افشار، هومن برق‌نورد، پیام احمدی‌نیا، سیاوش چراغی‌پور و رعنا آزادی‌ور و فرید سجادی‌حسینی در این فیلم ایفای نقش می‌کنند.

اکران سال ۹۶ سینماها را می‌توان به لحاظ میزان فروش و استقبال مخاطبان، سال فیلم‌های کمدی دانست. حال باید دید این اتفاق در سال ۹۷ نیز تکرار خواهد شد؟

هم‌زمان با رونمایی از پوستر «جعفرخان ازفرنگ‌برگشته»

یادی از حسن مقدم، نمایش‌نامه‌نویس برجسته ایرانی

گروه هنر: گروهی از هنرمندان پیش‌کسوت تئاتر به دعوت کارگردان «جعفرخان ازفرنگ‌برگشته» در موزه مقدم تهران گردهم آمده و در آیین نمادین استقبال از جعفرخان و رونمایی از پوسترهای این نمایش شرکت کردند. جمعی از هنرمندان تئاتر به دعوت رحمت امینی، کارگردان نمایش «جعفرخان ازفرنگ‌برگشته» که قرار است از سوم فروردین ۱۳۹۷ در تماشاخانه سنگلج به اجرای عموم درآید، روز دوشنبه، ۲۱ اسفند، ساعت ۱۱ صبح در موزه مقدم تهران گردهم آمده و در آیین نمادین استقبال از جعفرخان و رونمایی از پوسترهای این نمایش شرکت کردند.

هنرمندانی مانند فریندخت زاهدی، داوود فتحعلی‌بیگی، اصغر همت، شهرام کرمی، مریم معترف، علی عابدی (مدیر تماشاخانه سنگلج)، بهمن مفید، هنگامه مفید، بهزاد فراهانی، سیدحسن امین (مؤلف کتاب شاهنامه امین)، امیرحسین حریری، مدیر موزه‌های دانشگاه تهران، خانم زرینه، مدیر موزه مقدم، آقای تاجیک و خانم حسنی، مدیران مؤسسات شایسته نو و جمعی از اهالی رسانه در این آیین حضور داشتند.

آیین رونمایی از سه پوستر طراحی‌شده این مراسم با برنامه‌ای نمایشی از بازگشت جعفرخان از فرنگ (با بازی) آغاز شد و در ادامه رحمت امینی درباره پیشینه نمایش‌نامه «جعفرخان ازفرنگ‌برگشته» گفت: این نمایش‌نامه که حدود صد سال قبل نوشته شده، یک کمدی کامل است. قبل از شروع کار می‌خواستم تغییراتی در آن بدهم، ولی دیدم خود نمایش‌نامه بسیار کامل است. به نظرم اگر جوانان ما می‌خواهند پیشرفت داشته باشند لازم است از آثار گذشتگان خود بهره ببرند.

در ادامه این مراسم هر یک از مدعوین با اشاره به خاطرات خود درباره نمایش «جعفرخان ازفرنگ‌برگشته» مطالبی را یادآوری کردند.

در بخشی از این برنامه بهزاد فراهانی به اجرای این نمایش اشاره کرد و گفت: من در این نمایش در مدرسه عالی زبان به کارگردانی سیروس ابراهیم‌زاده حضور داشتم. در این نمایش نقش خان‌دایی را بازی کردم. به نظرم این نمایش یک کمدی کامل و همیشگی است و من به این اثر علاقه خاصی دارم و معتقدم این نمایش‌نامه می‌تواند مانند نمایش مشتی‌عباد یا آرشین مالالان سالی چندبار به نمایش دربیاید و همیشه مخاطب داشته باشد.

دکتر فریندخت زاهدی دراین‌باره گفت: من در حدود ۱۱سالگی در نمایشی بازی کردم که ماجرای دو دختر ۲۰ و ۲۲ ساله را روایت می‌کرد که گویا از فرنگ یا از تهران به شهرستان آمده بودند. من به‌عنوان نقش خواهر کوچک از رفتارهای آنها تقلید می‌کردم و به‌این‌ترتیب چشم‌اندازی از تهاجم فرهنگی را به نمایش می‌گذاشتیم. وی افزود: با توجه به اینکه آقای رحمت امینی مدیر دپارتمان تئاتر دانشگاه هستند، از ایشان قول بگیریم که در یک سال باقی‌مانده از مدیریت دوساله‌شان حتما یک کارگاه نمایش‌های سنتی در دانشگاه راه‌اندازی کنند. با عرقی که ایشان نسبت به تئاتر ایران دارند می‌توانند این کار را انجام دهند و از استادان نمایش‌های سنتی استفاده کنند.

پروفسور سیدحسن امین، حقوق‌دان و نویسنده کتاب شاهنامه امین، درباره این اثر گفت: من تجربه بازی در تئاتر را با حضور در نمایشی به کارگردانی کیهان رهگذر در سال‌های میانی دهه ۴۰ در دانشگاه داشتم. خوب به خاطر دارم که دانشجوی حقوق بودم و در زمان دانشجویی من عنوان «جعفرخان ازفرنگ‌برگشته» تبدیل به ضرب‌المثل شده بود و هرکس در سخنان خود از کلمات انگلیسی یا لاتین استفاده می‌کرد، استادان از این مثل استفاده می‌کردند.

اصغر همت، مدیرعامل خانه تئاتر، نیز در تأیید سخنان پروفسور امین با ذکر خاطره‌ای گفت: به یاد نمی‌آورم که نام نمایشی ضرب‌المثل شده باشد، اما «جعفرخان ازفرنگ‌برگشته» ضرب‌المثل شد و در بین مردم رسوخ کرده بود. اهمیت این نمایش‌نامه از همان زمان بسیار زیاد بود. اهمیت این نمایش‌نامه همیشگی است و همیشه با آدم‌هایی که خودشان را گم کرده و از اصل خود دور شده‌اند مواجه می‌شویم. این اثر را علی حاتمی با ساخت یک فیلم ماندگار کرد. بسیار خوشحالم که برای نوروز این نمایش کمدی اجرا می‌شود. داوود فتحعلی‌بیگی در بخش دیگر این آیین با اشاره به خاطره فلک‌شدن کسی به‌خاطر استفاده از کلمه خارجی به‌جای حوض گفت: آرزو می‌کنم هرکسی را که به فرهنگ خود بی‌التفات است چوب بزنند.

درباره موزه مقدم

در خاتمه، خانم زرینه، مدیر موزه مقدم، با اشاره به محل برگزاری این مراسم گفت: موزه مقدم و در حقیقت خانه مقدم از جمله خانه‌های مجلل دوران قاجار - متعلق به یکی از درباریان آن زمان به نام محمدتقی‌خان احتساب‌الملک- بوده است. احتساب‌الملک دارای دو پسر به نام‌های حسن و محسن بود که برای ادامه تحصیل به اروپا رفتند. حسن در فعالیت‌های ادبی، سیاسی و اجتماعی حضور فعالی داشت و در جوانی فوت کرد. از او نمایش‌نامه بسیار معروف «جعفرخان ازفرنگ‌آمده» به‌جا مانده است. برادر کوچک‌تر - محسن- پس از اتمام تحصیلات خود در رشته‌های نقاشی، تاریخ هنر و باستان‌شناسی در سال ۱۳۱۵ ه. ش به وطن بازگشت و به‌همراه همسر فرانسوی خود «سُلما» در خانه پدری- محل کنونی موزه مقدم- ساکن شدند.

زرینه افزود: آنها در کنار فعالیت‌های علمی به گردآوری آثار و اشیای تاریخی و فرهنگی پرداختند. استاد مقدم بسیاری از آثار ارزشمند جمع‌آوری‌شده مانند کاشی، قطعات سنگی تراشیده‌شده و ... را با الهام از فضاهای سنتی - تاریخی به نحو چشمگیری در جای‌جای این عمارت قدیمی نصب و برخی دیگر مانند کلکسیون پارچه، چپق و قلیان، سفالینه، شیشه، تابلوی نقاشی، مسکوکات، مهرها و اسناد تاریخی و ... را با نظم و ترتیب خاصی در خانه پدری نگهداری کرد.

وی ادامه داد: در سال ۱۳۵۱ ه. ش، زنده‌یاد استاد مقدم - استاد ممتاز دانشگاه تهران- با توجه به علاقه وافرش به علم، تاریخ و هنر، خانه پدری خود را به‌همراه آثار نفیس گردآوری‌شده وقف دانشگاه تهران کرد. استاد محسن مقدم در سال ۱۳۶۶ ه. ش دار فانی را وداع گفت و پس از مرگِ همسر ایشان در سال ۱۳۶۹ ه. ش، تولیت موزه مقدم در اختیار مستقیم دانشگاه تهران قرار گرفت.

این موزه که از آن به‌عنوان گران‌قیمت‌ترین خانه جهان نام می‌برند، در خیابان امام خمینی بین شیخ هادی و ولیعصر، پلاک ۲۴۹ جنب بانک ملت واقع شده است.

جمشید مشایخی پیام روز ملی هنرهای نمایشی را نوشت

هنر ما هویت ماست

گروه هنر: جمشید مشایخی، هنرمند پیش‌کسوت تئاتر، تلویزیون و سینمای کشور، پیام روز ملی هنرهای نمایشی را نوشت. جمشید مشایخی در پیامی که به مناسبت ۷ فروردین و روز ملی هنرهای نمایشی نوشت، آورده است:

با سلام

از من خواستند چند کلمه‌ای به مناسبت روز نمایش بنویسم تا شاید یادگاری برای آنها که تک‌تک سلول‌های تنم با عشق به آنها زنده مانده‌اند، همه آنهایی که در طول شصت سال با تماشای ده‌ها و ده‌ها انسانی که زاییده تخیل نویسنده‌ها، کارگردان‌ها و من بازیگر بوده‌اند را به زندگی خود راه دادند و با قدم‌گذاشتن به دنیای آنها زوایای پنهان و آشکار بشری را تجربه کرده‌اند. و من همیشه در آن لحظات غایب بوده‌ام.

بله، من بازیگر همیشه تنها هنرم غیب‌شدن در صحنه و تبدیل‌شدن به انسان دیگر بوده است، هربار در هیبتی یا مسلکی یا مسندی.

خب، این زندگی همه ما آکتورهاست که هرازچندگاهی در قالبی نو سر کنیم تا بتوانیم زیروبم غم‌ها، شادی‌ها و آرزوهای بشر خاکی را گاهی همچون غم‌نامه‌ای که بر صفحه روزگار نقش بسته و گاه همچون مجنونی که با نمایش اشتباهات انسانی خنده می‌گیرد بر روی صحنه زندگی کنیم. گفتم من همیشه غایب بوده‌ام. شاید این شعبده‌بازی بود که در هر غیب‌شدن یک‌بار دیگر باید تلنگری به گوشه‌ای از زندگی انسان زده می‌شد تا در خلق‌الساعه‌ای از دنیای ابری‌اش به جهان روشنایی هدایت شود و در آیینه صحنه خود را بیابد. شاید ما نمایشگران لعبتکانی هستیم که نقش‌های فلک لعبت‌باز را اینجا و آنجا زنده می‌کنیم تا در حین غیبت تبدیل به هزارکس و هیچ‌کس شویم.

آنچه بر پیشانی هر نمایشگر نوشته شده صادرکردن شناسنامه‌هایی با مهرهای رنگی است که هر رنگ آن حکایت از کاراکتری دارد که یا دوستش می‌داریم یا دوستش نمی‌داریم، آنکه دوستش داریم در قلبمان جای گرفته و به تلطیف روحمان نشسته و آنکه مهرش بر جانمان ننشسته همچون مفیستویی در ذهنمان خانه کرده تا هشداری باشد در راه زندگیمان. امروز به همت جوانان پرشور و هنرمندان راستین کشورمان هنر نمایش سربلند، سر از تاریخ این هنر درآورده و آنچه را که نسل‌های پیشین کاشته‌اند با پایبندی به فرهنگ ملی و به‌کارگیری دانش و فنون هنری به‌خوبی درو می‌کنند و خاک صحنه از تن پیشینیان می‌روبند.

آرزو می‌کنم چراغ صحنه‌های نمایش این آب‌وخاک همیشه روشن باشد و فرزندان این سرزمین در همه زمینه‌های علمی، فرهنگی و هنری سرافراز باشند. هنر ما هویت ماست و نقش ما در دنیای امروز بازتاب هویت ماست.

یاددوست

یادی از «لوون هفتوان»

صداقت او بارز بود

● **مجید موثقی:** اولین‌باری که «لوون هفتوان» را در تهران دیدم سال‌ها پیش بود، اما زمان آن را به یاد ندارم، چون حافظه من به خوبی او نبود! از آنجایی که هر دوی ما در مسکو تئاتر و سینما خوانده بودیم و کلی خاطره از «سیستم آموزشی سخت‌گیرانه روس‌ها» به یاد داشتیم، رفاقت خوبی بین ما شکل گرفت، حتی یک‌وقت‌هایی با هم به زبان روسی حرف می‌زدیم. دانش زبان روسی او خیلی خوب بود و به خاطر دارم روزی در تهران در منزل یکی از دوستان مشترکمان به حافظه او در به‌خاطرآوردنِ گرامر پیچیده زبان روسی پی بردم. او همیشه در ایران نبود و در کانادا اقامت داشت، اما دوستی ما از راه دور ادامه داشت. یک‌بار سفری به تورنتو برای داوری «جشنواره فیلم نسیم شرقی» و برگزاری ورک‌شاپ داشتم و در آنجا لوون را دوباره ملاقات کردم و باز با حافظه عجیب او مواجه شدم. با «پویان طباطبایی»، مدیر جشنواره، در منزل لوون بودیم و من از او رمز عبور ورود به اینترنت را خواستم، لوون با مهارت عجیبی تمام بیست‌وچند رقم طولانی کدها را از بر بود!

«مجید برزگر» که تا یک روز مانده به فوت لوون با او همسفر بود، از حافظه شگفت‌انگیز او این‌گونه نقل می‌کند: « درمسیر بازگشت از اردبیل به تهران بودیم که لوون به من گفت: مجید! امروز سه‌سال‌وچهارماه هست که از اکران فیلم پرویز گذشته و ۷۳ ماه پیش، فیلم‌برداری این کار شروع شد! می‌دونی چرا همه اینها را در خاطر دارم؟ چون پرویز برای من فیلم مهمی هست». این آخرین دیدار او با کارگردان فیلم «پرویز» بود و فردای آن روز لوون درگذشت. فیلم «پرویز» نقطه اوج موفقیت‌های او در سینمای ایران به‌شمار می‌آید و این فیلم با توانایی‌های خوب و بازی روان «لوون هفتوان» جان تازه‌ای گرفت.

زندگی او همیشه با مهاجرت و دشواری‌های زیادی همراه بود. او در اوایل دهه ۹۰ برای شرکت در یک جشنواره تئاتری از ایران به ارمنستان می‌رود

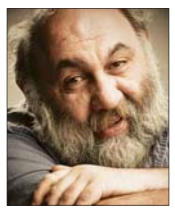

و بعد از اجرای نمایش در ایروان، هوس رفتن به مسکو به سرش می‌زند و پاسپورتش را به عشق دیدن یک باله در«بالشوی تئاتر» در مسیر ایروان- مسکو گم می‌کند و این در حالی بود که هم‌زمان مرزها بعد از پروسترویکا (بازسازی شوروی سابق) بسته شدند و تقدیر باعث شد که با ازدست‌دادن گذرنامه‌اش در آن شرایط بحرانی، سال‌ها در روسیه بماند و از دیدن تئاترهای روسی سیراب شود. او در مدرسه (گیتیس- GITIS)، یکی از اولین و بزرگ‌ترین مدارس تئاتری جهان، مشغول به تحصیل شد و استادان بزرگی را به چشم دید و از آنها آموخت. او در مدت‌زمان کوتاهی در سینمای ایران تبدیل به یک پدیده نوظهور بازیگری شد، اما پیش از آن نیز تئاترهای خوبی را در کانادا به‌عنوان بازیگر و کارگردان روی صحنه برد! افتخار همکاری با او را در چند جشنواره در کانادا و داکا داشتم و از همه مهم‌تر سادگی، نرمی و صداقتی را که از او دیده می‌شد، در بسیاری از نام‌آوران سینمای ایران ندیده‌ام. شور و عشق او به تئاتر و سینما امروز او را در حافظه سینمای ایران ثبت کرده است.

نگاه

هیئت داوران جشنواره سیمرغ معرفی شدند

● به گزارش روابط‌عمومی نهمین جشنواره بین‌المللی سیمرغ، ۲۱ داور در هفت رشته، بخش تجسمی جشنواره بین‌المللی سیمرغ را داوری خواهند کرد.

اسامی داوران به شرح زیر است:

■ **نقاشی و طراحی:** علی‌اصغر کفش‌چیان‌مقدم، محمد معمارزاده‌طهران و کاظم چلیپا

■ **نگارگری:** امیرحسین آقامیری، پرویز اسکندرپورخرمی و یوسف حسینی

■ **پوستر و اینفوگرافی:** کوروش پارسانژاد، پیمان پورحسین و علی کیانی‌امین

■ **خوشنویسی:** مسعود فاضل‌مقدم، محمدسعید نقاشیان و محمدعلی قربانی

■ **صنایع دستی:** میرحسین دریابیگی، بابک گرمچی و محمد سررشته

■ **عکاسی:** احمد ناطقی، سیدمهدی مقیمی‌نژاد و مسعود زنده‌روح‌کرمانی

■ **کاریکاتور و کمیک استریپ:** سامان ترابی، مسعود شجاعی‌طباطبایی و فخرالدین دوست‌محمدتهرانی

لازم به ذکر است؛ ۳۸ هزار اثر از بخش‌های دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی وزارت بهداشت با موضوع آزاد، کارکنان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی و جامعه پزشکی کشور با موضوع آزاد، بین‌الملل با موضوع فرهنگ سلامت و دانشجویان سراسر کشور با موضوع فرهنگ سلامت در بخش تجسمی به دبیرخانه جشنواره رسیده که از سوی هیئت داوران ارزیابی و انتخاب می‌شوند. جشنواره بین‌المللی سیمرغ نامش برگرفته از سیمرغ افسانه‌ای در ادبیات ایران به‌عنوان مرغ درمانگر و نماد جدید جامعه پزشکی است.